

بررسی روایت «القدریة مجوس هذه الأمة»

سید عباس حسینی پور عزآبادی^۱

چکیده

پس از رحلت پیامبر اکرم ﷺ و در همان قرن اول هجری، در مباحث اعتقادی، نظریه‌های متفاوتی بیان شد و فرقه‌های متعددی به وجود آمدند. یکی از گروه‌هایی که در مباحث مربوط به قضا و قدر الهی، اعتقادات خاصی داشتند، افرادی بودند که به «قدریه» شهرت پیدا کردند و در روایات نیز مورد مذمت فراوان قرار گرفتند. آنان معتقد بودند خداوند، امور را به انسان‌ها واگذار کرده است و هیچ دخالتی در امور ندارد. پیامبر اکرم ﷺ درباره این گروه فرمودند: «القدریة مجوس هذه الأمة». در این پژوهش به روش تحلیلی-توصیفی، فرقه قدریه، معرفی و اعتقاد آن‌ها بیان و وجه شباهتشان به مجوس، بررسی شده است. اعتقاد این فرقه به قدری مذموم است که در بسیاری روایات از جهت احترام در دنیا و آخرت، مورد مذمت قرار گرفته‌اند. کلیدواژه‌ها: قدریه، مجوس، پیامبر اکرم ﷺ.

۱. مقدمه

پس از رحلت پیامبر اکرم ﷺ، در میان امت اسلام، فرقه‌های متفاوتی با آرا و عقاید مختلف به وجود آمدند. هریک از این فرقه‌ها در جامعه اسلامی به تبلیغ و نشر عقاید خود می‌پرداختند. در نیمه دوم قرن نخست هجری، عده‌ای مشغول به فعالیت شدند که اعتقادات خاصی درباره مباحث عدل و قضا و قدر الهی داشتند که آنان را قدریه می‌نامیدند (جهانگیری، ۱۳۶۷: ۲). آنان نسبت به نشر اعتقادات بی‌پایه و اساس خود - که نشئت گرفته از برداشت‌های نادرست آنان از مباحث توحیدی بود -، همت گماردند. این فرقه در روایات پیامبر اکرم ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام بسیار مورد مذمت قرار گرفته‌اند و پیامدهای دنیوی و اخروی متفاوتی برای معتقدان به این باور بیان شده

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۳۱.

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه قرآن و حدیث (noorolaeme12@gmail.com).

است. برخی از جوامع حدیثی، روایتی را از رسول اکرم بیان کرده‌اند که ایشان این فرقه را به مجوسیان تشبیه کرده است: «القدریة مجوس هذه الأمة» (کلینی، ۱۴۲۹: ۳۷۹/۱).

۱-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

اهمیت این پژوهش و بررسی این روایت از آن جهت است که یکی از مهم‌ترین موضوعات توحیدی را بیان می‌کند و سبب پی بردن به اعتقادات فرقه قدریه می‌شود؛ همچنین پرداختن به بیان وجه شباهت آنان به مجوسیان و جایگاهشان، ضرورت این پژوهش را نشان می‌دهد.

۲-۱. سؤالات پژوهش

این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سؤالات است که: قدریه چه کسانی بوده‌اند و اعتقادات آنان چه بوده که مورد مذمت روایات قرار گرفته‌اند؟ قدریه از چه نظر با مجوسیان شباهت داشته‌اند که پیامبر اکرم این‌گونه آنان را تشبیه کرده است؟ و سرانجام چه عواقبی در انتظار قدریه است؟

۳-۱. پیشینه پژوهش

با توجه به این که این روایت در جوامع حدیثی مختلف آمده است، در نتیجه درباره این فرقه انحرافی در کتب کلامی و مقالات متفاوت، نکاتی بیان شده است؛ لکن تاکنون به این شیوه که در مقاله‌ای جداگانه، اعتقادات، وجه شباهت آنان به مجوسیان و جایگاه دنیوی و اخروی آنان از منظر روایات مطرح و بررسی شود، نگاشته‌ای یافت نشد.

۴-۱. روش پژوهش

نگارنده در این پژوهش برآن است با استعانت از کلام متکلمان و شارحان احادیث، به روش تحلیلی-توصیفی، ضمن معرفی اعتقادات قدریه و بررسی روایاتی که در مذمت آن‌ها آمده است، به سؤالات مطرح شده پاسخ دهد و جایگاه آنان را از منظر روایات بیان کند.

۵-۱. ادبیات پژوهش

۱-۵-۱. قدریه

واژه «قدر» در لغت به معنای اصل صحیحی است که بر نهایت و کُنه شیء و اندازه و مقدار

شیء دلالت می‌کند. به عبارت دیگر، یعنی «قضاء الله الأشياء على مبالغها و نهائياتها التي أرادها لها» (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۶۲/۵). در اصطلاح نیز به قومی گفته می‌شود که قدر و مقدرات الهی را تکذیب می‌کنند (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۱۲/۵؛ ازهری، ۱۴۲۱: ۳۷/۹). قدریه کسانی هستند که خیر را از خداوند می‌دانند و شر را به انسان و شیطان نسبت می‌دهند (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۲۹۹/۴).

۲-۵-۱. مجوس

در اصطلاح به کسانی گفته می‌شود که اعتقاد به دو اصل «نور» و «ظلمت» دارند و معتقدند خیر، از افعال نور است و شر، از افعال ظلمت (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۲۹۹/۴). به عبارت دیگر، اعتقاد به دو خدا دارند و آنان را یزدان و اهریمن می‌نامند و معتقدند خیر و خوبی و شادی از یزدان می‌آید و فتنه و غم و بدی‌ها از اهریمن است (طریحی، ۱۳۷۵: ۱۰۵/۴).

۲. مقصود از مجوس در روایات

بر اساس روایت رسیده از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، زرتشتیان همان مجوسیان هستند. همچنان‌که ایشان در پاسخ به این سؤال که: «آیا برای مجوسیان پیامبر بوده است؟» فرمودند: «أَنَّ الْمَجُوسَ كَانَ لَهُمْ نَبِيٌّ فَقَتَلُوهُ، وَ كِتَابٌ أَحْرَقُوهُ، أَتَاهُمْ نَبِيُّهُمْ بِكِتَابِهِمْ فِي اثْنِي عَشَرَ أَلْفَ جِلْدٍ ثَوْر» (کلینی، ۱۴۲۹: ۲۰۲/۷)؛ مجوسیان، پیغمبری داشتند که او را کشتند و کتابی نیز داشتند که آن را سوزاندند. پیغمبر آنان کتاب خود را بر روی دوازده هزار پوست گاو نوشته بود.

۳. مصداق قدریه

در احادیث قدریه بر دو گروه مختلف اطلاق شده است: گاه بر معتقدان به قضا و قدر الهی در افعال انسان و گاه بر منکران قضا و قدر الهی در افعال انسان یا قائلان به قدرت و اختیار مطلق انسان در افعالش. این مسئله باعث شده است که هر دو گروه یادشده، دیگری را قدریه بخوانند و احادیث وارد شده را ناظر به مخالفان خود بدانند. به نظر می‌رسد که در آغاز، واژه قدریه بیشتر بر طرفداران قدر الهی اطلاق می‌شده است؛ اما رفته‌رفته این اسم درباره منکران قدر الهی رواج یافت. از این رو، در کتاب‌های مذاهب و فرق نیز به همین معنای دوم به کار رفته است و امروزه نیز وقتی قدریه گفته می‌شود، همین مذهب و فرقه به ذهن متبادر می‌شود. بنابراین، سبب

اختلاف روایات در مفهوم قدریه، همین تحوّل معنایی آن در طول قرون اولیه بوده است (برنجکار، ۱۳۷۸: ۵۲).

به قدریه مفوضه نیز گفته می‌شود و تفویض به معنای واگذاری انجام کارها به خود انسان است.

۴. قدریه در روایات

قدریه از زمان خود پیامبر اسلام در بسیاری از روایات با عباراتی همچون: نصیب نداشتن این فرقه از امت پیامبر (محمّدی ری شهری، ۱۳۸۶: ۳۸۰/۸)، برائت جستن از این گروه (جمعی از علماء، ۱۴۲۳: ۳۶۴) و سخن آنان، نه سخن بهشتیان است، نه سخن جهنّمیان و نه سخن ابلیس (قمی، ۱۴۰۴: ۲۴/۱) مورد مذمت قرار گرفته‌اند. پیامبر اکرم ﷺ در روایت مورد پژوهش که به ادعای کتب رجالی (کشی، بی‌تا: ۱۰۹/۱) روایتی مشهور و متواتر بوده و همچنین علاوه بر منابع شیعی در مصادر اهل سنت نیز وارد شده است، آنان را به مجوسیان تشبیه کرده است. امام علی ﷺ نیز می‌فرماید: «لِكُلِّ أُمَّةٍ مَجُوسٌ وَ مَجُوسُ هَذِهِ الْأُمَّةِ الَّذِينَ يَقُولُونَ بِالْقَدَرِ» (شعیری، بی‌تا: ۱۶۱)؛ برای هر امتی مجوسی است و مجوس این امت، قائلان به قدر هستند.

مرحوم صدوق در کتاب التوحید روایتی را با سند متصل از امام صادق ﷺ می‌فرماید: «حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عُمَرَ الدَّقَاقُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ النَّخَعِيُّ عَنْ عَمِّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ النَّوْفَلِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: إِنَّ الْقَدْرِيَّةَ مَجُوسُ هَذِهِ الْأُمَّةِ، وَهُمْ الَّذِينَ أَرَادُوا أَنْ يَصِفُوا اللَّهَ بِعَدْلِهِ، فَأَخْرَجُوهُ مِنْ سُلْطَانِهِ، وَفِيهِمْ تَزَلَّتْ هَذِهِ الْآيَةُ: ﴿يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِهِمْ ذُقُوا مَسَّ سَقَرٍ﴾ إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ (قمر: ۴۹ - ۴۸)؛ به درستی که قدریه، گبران امت محمد ﷺ هستند و قدریه، جمعی‌اند که به دعوی استقلال بندگان در قدرت بر افعال خود خواسته‌اند که رعایت جانب عدالت الله تعالی کنند، پس بیرون کرده‌اند الله تعالی را از سلطنت پادشاهی او. و در شأن قدریه نازل شده قول الله تعالی در سوره قمر: ﴿أَنْ رَوْزَ كَهْ كَشِيْدَهْ مِيْ شُونَدْ دَرِ آتَشِ جَهَنَّمَ بِرِ رُوْهَائِ اِيْشَانْ بِرِ حَالِيْ كَهْ كُفْتَهْ مِيْ شُوْدْ كَهْ: بِچَشِيْدْ دَرِيَاْفَتَنِ آتَشِ جَهَنَّمَ رَا؛ بِهْ دَرَسْتِيْ كَهْ مَا هَرِ چِيْزِيْ رَا تَدْبِيْرِ كَرْدِهْ اِيْمْ بِهْ قَدْرْ بِهْ مَعْنِيْ بِهْ تَدْبِيْرِ مُوَافِقِ حَكْمَتِ﴾ (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۳۸۲). امام صادق ﷺ در این فرمایش علاوه بر بیان موضوع مورد بحث این پژوهش، به اعتقاد

قدریه نیز اشاره دارند که آن‌ها معتقدند خداوند، امور را به انسان‌ها واگذار کرده و آن‌ها به قدرت خود، افعال را انجام می‌دهند و خداوند هیچ گونه دخالتی در انجام دادن افعال بندگان ندارد.

۵. اعتقاد مجوسیان

بر اساس مباحثی که مجوسیان دربارهٔ ثنویت دارند، استفاده می‌شود که آنان معتقد به دو خدایند؛ خدای خیر و خدای شر یا به عبارت دیگر، خدای نور و خدای ظلمت. آن‌ها بر این باورند که تمام خوبی‌ها، از خدای خیر است و همهٔ شرور عالم، از خدای شر است که آن را اهریمن می‌نامند (صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۸: ۲۷۸/۴). آن‌ها خیرات را فعل نور می‌دانند و شر را فعل ظلمت (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۲۹۹/۴). به عبارت دیگر، خدای نیکی‌ها و نور را «اهورا مزدا» و خدای شر و ظلمت را «اهریمن» می‌دانند و به عناصر چهارگانه، مخصوصاً «آتش» احترام می‌گذارند تا آن‌جا که آنها را «آتش پرست» می‌خوانند و هر کجا که هستند، آتشکده‌ای کوچک یا بزرگ نیز وجود دارد.

۶. وجه شباهت قدریه به مجوس

حال نوبت به پاسخ این سؤال می‌رسد که بین قدریه و مجوس، چه تشابهی وجود داشته که پیامبر اکرم ﷺ آنان را به مجوس تشبیه کرده و فرموده: «القدریة مجوس هذه الامة»؟
مجوسیان افعال خیر را به خدا نسبت می‌دهند و افعال شر را به ابلیس منسوب می‌دانند و معتقدند که قادر بر خیر، امکان غیر از آن را ندارد؛ همچنان‌که قادر بر شر، بر غیر از شر قدرت ندارد (شهری صنّعی، ۱۴۲۳: ۴۶۵). آنان معتقدند که خداوند، افعال را خلق کرد و از آن تبری و دوری جست، همان‌گونه که ابلیس را آفرید و از او رویگردان شد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶/۵).
پس از بیان اعتقادات مجوسیان، لازم است اعتقادات قدریه را نیز بیان کنیم تا وجه این شباهت در فرمایش رسول خدا ﷺ مشخص شود. قدریه نیز همانند مجوسیان، سخنان سخیفی می‌گویند و اعتقاداتی دارند که بطلانش واضح و روشن است (همان). آنان معتقدند قادر بر ایمان، قدرت بر کفر ندارد؛ همان‌گونه که قادر بر کفر، قدرت بر ایمان ندارد (شهری صنّعی، ۱۴۲۳: ۴۶۵). ایشان اعتقاد به خالق برای همهٔ کائنات دارند که همان خداوند است و اعتقاد به خالق دیگر برای افعال و اعمالش دارند که انسان است (سبحانی، ۱۴۱۲: ۲۱۲/۲).

۷. مذمت قدریه

قدریه در روایات پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت عصمت و طهارت ﷺ بسیار مورد مذمت قرار گرفته‌اند. بسیاری از این روایات در بیان شیوه برخورد با این گروه انحرافی است و می‌توان این روایات را در دو دسته «مذمت در احترام دنیوی» و «مذمت در احترام اخروی» بررسی کرد.

۱-۷. مذمت در احترام دنیوی

۱-۱-۷. همنشین نشدن با آنان

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «لَا تُجَالِسُوا أَهْلَ الْقَدَرِ» (محمّدی ری شهری، ۱۳۸۶: ۴۰/۹)؛ با قدریه، همنشینی نکنید.

اسلام اهمیت بسیاری برای دوست و همنشین انسان بیان کرده است؛ چراکه افکار و اعتقادات همنشین در انسان تأثیرگذار است؛ چنان‌که امام صادق ﷺ فرمود: «هر کس که منفعت دینی به تو نرساند، بشناس! به او توجهی مکن و رغبتی به همراهی با او نداشته باش؛ زیرا آنچه غیر از خداوند تبارک و تعالی است، نابودشدنی و عاقبت آن ناگوار است» (حمیری، ۱۴۱۳: ۵۱). همچنین دین مبین اسلام، حقوقی را برای دوست و همنشین بیان کرده که لازم است انسان آنها را رعایت کند. این‌که رسول خدا ﷺ از همنشینی با «قدریه» منع کرده است، علاوه بر مذمت این فرقه و دور دانستن آنان از آیین اسلام حقیقی، در صدد عدم تأثیرگذاری افکار و اعتقادات آنان بر افکار مسلمانان و پیروان واقعی اسلام است.

۲-۱-۷. همکاری نکردن با آنان

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «لَا تُجَالِسُوا أَهْلَ الْقَدَرِ وَلَا تُفَاتِحُوهُمْ» (محمّدی ری شهری، ۱۳۸۶: ۴۰/۹)؛ با قدریه همنشینی نکنید و کاری را با آنها شروع نکنید.

پیامبر خدا ﷺ در ادامه فرمایش خود، مسلمانان را از همکاری با این گروه منع می‌کنند. حضور ندادن معتقدان به قدریه در امور، نوعی بی‌توجهی و بی‌اهمیت دانستن آنان است. پیامبر اکرم ﷺ با این سخن، هرگونه ارتباط و همکاری با این فرقه را نهی کرده‌اند.

۳-۱-۷. عیادت نکردن از آنان

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «الْقَدَرِيَّةُ مَجْسُوسٌ هَذِهِ الْأُمَّةُ إِنْ مَرَضُوا فَلَا تَعُودُوهُمْ وَإِنْ مَاتُوا فَلَا

تَشْهَدُوهُمْ» (ابن جهور، ۱۴۰۵: ۱/۱۶۶)؛ قدریه، مجوس این امت هستند. اگر بیمار شدند، عیادتشان نکنید و اگر مردند، آن‌ها را تشییع نکنید.

یکی از فضائل اخلاقی مورد تأکید و سفارش اسلام و از حقوقی که مسلمانان بر عهده یکدیگر دارند (کوفی اهوازی، ۱۴۰۴: ۴۵)، عیادت از همدیگر هنگام بیماری است. این برخورد، نوعی احترام به مسلمان محسوب می‌شود و نهی پیامبر ﷺ از ملاقات قدریه، هنگام بیماری ضمن دربرداشتن این معنا که آنان از اسلام دور هستند، بیانگر عدم حقی از آنان بر عهده مسلمانان است.

۴-۱-۷. تشییع نکردن جنازه آنان

در ادامه سخن پیامبر آمده است: «وَإِنْ مَاتُوا فَلَا تَشْهَدُوهُمْ»؛ و اگر مردند، آن‌ها را تشییع نکنید. تجهیز و دفن میت مسلمان، از واجبات کفایی است و این به معنای احترام مسلمان حتی پس از مرگ اوست که با مرگ مسلمانی، تجهیز وی بر همگان واجب شده و لازم است بدن او را دفن کنند تا بی احترامی به جنازه مسلمان نشود. همچنین شرکت در تشییع جنازه مسلمان، علاوه بر آثار و فواید فردی‌ای که در روایات آمده، مورد تأکید فراوان نیز هست. حال این سخن رسول خدا ﷺ درباره قدریه و نهی از تشییع جنازه آنان به معنای عدم احترام جنازه این گروه است. به نظر می‌رسد پیامبر اکرم ﷺ با بیان این روایات در صدد دور دانستن قدریه از اسلام است و تمام حقوقی را که یک مسلمان بر عهده مسلمانی دیگر دارد، از پیروان این گروه نفی می‌کند.

۲-۷. مذمت در احترام اخروی

۱-۲-۷. عذاب برزخ و قیامت

حارث همدانی می‌گوید: امیر مؤمنان علی بن ابی طالب ﷺ فرمود: «إِنَّ أَرْوَاحَ الْقَدَرِيَّةِ يُعْرَضُونَ عَلَى النَّارِ غُدُوًّا وَعَشِيًّا حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ فَإِذَا قَامَتِ السَّاعَةُ عَذَّبُوا مَعَ أَهْلِ النَّارِ بِأَلْوَانِ الْعَذَابِ فَيَقُولُونَ يَا رَبَّنَا عَذَّبْنَا خَاصَّةً وَتُعَذِّبُنَا عَامَّةً فَيَرُدُّ عَلَيْهِمْ دُفُوقًا مَسَّ سَقَرٍ. إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ» (ابن بابویه، ۱۴۰۶: ۱/۲۱۲)؛ ارواح قدریان را در عالم برزخ هر بامداد و شامگاه بر آتش عرضه نمایند تا روز رستاخیز، و چون قیامت بر پا شود، آنان به همراه دوزخیان عذاب شوند به انواع عذاب‌ها. پس گویند: خداوند! ما را در عالم برزخ، عذابی مخصوص نمودی و

این روز نیز با دوزخیان در عذاب و شکنجه شرکت دادی! خطاب شود که: بچشید طعم عذاب برخورد به آتش را؛ زیرا ما همه چیز را به اندازه و از روی حساب آفریده ایم. سخن امام علی علیه السلام بیانگر اختصاص عذاب برزخی و همچنین عذاب های متنوع آخرتی برای این گروه است.

بر اساس روایات رسیده، آیه ﴿يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِهِمْ ذُقُوا مَسَّ سَقَرٍ﴾ (قمر: ۴۸) - که حضرت در این روایت به آن استدلال کرده اند -، در مذمت قدریه نازل شده است. علی بن سالم از امام صادق علیه السلام نقل می کند: إِنَّ الْقَدَرِيَّةَ مَجُوسٌ هَذِهِ الْأُمَّةَ وَهُمْ الَّذِينَ أَرَادُوا أَنْ يَصِفُوا اللَّهَ بِعَدْلِهِ فَأَخْرَجُوهُ مِنْ سُلْطَانِهِ وَفِيهِمْ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ ﴿يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِهِمْ ذُقُوا مَسَّ سَقَرٍ. إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ﴾ (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۳۸۲)؛ قدریه مجوس این امت اند و ایشان آنان اند که خواستند که خدا را به عدلش وصف کنند، پس او را از سلطنتش بیرون بردند و این آیه در شأن ایشان نازل شده که: ﴿روزی که کشیده شوند گناهکاران در آتش دوزخ بر روی های خود یعنی ایشان را بر روی انداخته بکشند و به دوزخ افکنند و در نزد آن حال به ایشان گویند که بچشید سودن دوزخ یعنی حرارت آتش و الم آن را و در بیان عدل خود و می فرماید که به درستی که ما هر چیزی را آفریده ایم به اندازه﴾.

همان گونه که نعمت های الهی نوعی احترام به مؤمنان محسوب می شود، عذاب الهی نیز نوعی عدم احترام نسبت به گنهکاران است. کسانی که در عالم دنیا دارای اعتقادات ناصواب و باطل هستند، پس از دنیا، گرفتار عذاب الهی می شوند. انحرافات و اعتقادات این گروه به قدری است که عقوبت آنان منحصر در عالم برزخ نبوده و در قیامت نیز گرفتار انواع عذاب ها هستند.

۲-۲-۷. خطاب آنان در قیامت با لفظ «خُصَمَاءُ»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «نَادَى مُنَادٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَيْنَ الْقَدَرِيَّةُ خُصَمَاءُ اللَّهِ وَشُهَدَاءُ إِبْلِيسَ فَيَقُولُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي يَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ دُخَانٌ أَسْوَدُ» (شعیری، بی تا: ۱۶۱)؛ منادی روز قیامت ندا می دهد: کجایند قدریه دشمنان خدا و شاهدان ابلیس؟! پس طائفه ای از امت من پاسخ می دهند که از دهانشان دود سیاه خارج می شود.

در روز قیامت، برخی افراد و گروه‌ها با عناوین متفاوت مدح و ذم، مورد خطاب قرار می‌گیرند. بر اساس این سخن رسول اکرم ﷺ، قدریه در روز قیامت با عنوان «خصماء الله» یعنی دشمنان خداوند، صدا زده می‌شوند که این نوع خطاب، برای آنان ذم و نشان از دشمنی ایشان با خداوند است. آنان با اعتقادات نادرست خود درباره خداوند و ترویج آن و گمراه کردن مردم به دشمنی با خدا پرداخته‌اند و در قیامت نیز با عنوان «خصماء الله» مخاطب قرار می‌گیرند.

۳-۲-۷. حشر به صورت میمون و خوک

ابوحزمه می‌گوید از امام باقر ع شنیدم که ایشان می‌فرمود: «يُحْشَرُ الْمُكَذِّبُونَ بِقَدَرِ اللَّهِ مِنْ قُبُورِهِمْ قَدْ مُسِخُوا قِرْدَةً وَ خَنَازِيرًا» (همان)؛ منکران قدر الهی، روز قیامت به صورت خوک و میمون، محشور می‌شوند.

بر اساس روایات، برخی از انسان‌ها در روز قیامت به صورت حیوانات محشور می‌شوند. از پیامبر اکرم ﷺ از معنای آیه «يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا» (نبا: ۱۸) سؤال شد، ایشان گریه کردند و فرمودند: «از امر مهمی سؤال کردی؛ در روز قیامت، امت من به شکل‌های مختلفی محشور می‌شوند». یکی از آن گروه‌ها را حضرت این‌گونه بیان می‌کنند: «أَمَّا الْأَوَّلُ: فَيَحْشَرُ عَلَى صُورَةِ الْقِرْدَةِ، وَ هُمُ الْفَتَّانُونَ فِي النَّاسِ - قَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ﴾» (فیض کاشانی، ۱۴۱۸: ۱۱۰۷/۲)؛ عده‌ای به صورت میمون و بوزینه محشور می‌شوند و آنها کسانی‌اند که در میان مردم، فتنه و آشوب می‌اندازند و کاری می‌کنند که جامعه گرفتار آشوب شود.

قدریه از کسانی هستند که با انکار قضا و قدر الهی در افعال انسان موجب فتنه در جامعه و تزلزل در اعتقادات عده‌ای از مردم شدند. بنابراین بر اساس این روایت در روز قیامت با حشری این‌گونه مورد مذمت و خواری قرار می‌گیرند.

۴-۲-۷. وارد نشدن بر پیامبر اکرم در قیامت

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «صِنْفَانِ مِنْ أُمَّتِي لَا يَرِدَانِ عَلَيَّ الْحَوْضَ وَلَا يَدْخُلَانِ الْجَنَّةَ: الْقَدَرِيَّةُ وَ الْمُرَجِّئَةُ» (محمّدی ری‌شهری، ۱۳۸۶: ۳۸/۹)؛ دو گروه از امت من هستند که در حوض [کوثر] بر من وارد نمی‌شوند و به بهشت، داخل نمی‌گردند: قدریه و مرجئه.

ورود بر پیامبر اکرم ﷺ و ملاقات با ایشان در روز قیامت از امتیازات و افتخاراتی است که همه

مسلمانان آرزوی آن را دارند و در مقابل عدم ملاقات رسول اکرم ﷺ نوعی عذاب روحی برای گناهکاران امت است که ایشان در این سخن، پیروان قدریه را از این فیض بزرگ محروم دانسته‌اند.

۵-۲-۷. داخل بهشت نشدن

در ادامه روایت قبل، رسول اکرم ﷺ یکی دیگر از عواقب اعتقاد به جریان قدریه را عدم ورود به بهشت دانسته است.

۶-۲-۷. بهره‌مند نشدن از شفاعت

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: صِنْفَانِ مِنْ أُمَّتِي لَا تَنَالُهُمْ شَفَاعَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ: الْمُرَجَّةُ، وَالْقَدَرِيَّةُ (همان)؛ دو گروه از امت من هستند که روز رستاخیز، شفاعتم شامل حال آنها نمی‌شود: مرجئه و قدریه. بر اساس روایات، پیامبر اسلام ﷺ در روز قیامت، از گناهکاران امت خود شفاعت می‌کند؛ اما برخی از گناهان است که انسان را از دایره شفاعت، دور و بی‌نصیب می‌کند. بر اساس این روایت، اعتقاد به جریان قدریه، انسان را از شفاعت پیامبر ﷺ بی‌بهره می‌کند.

۸. نتیجه‌گیری

پیامبر اکرم ﷺ، قدریه را به عنوان «مجوس امت اسلامی» معرفی کرده است. قدریه، معتقدند که خداوند، همه امور را به انسان‌ها واگذار کرده و خود دخالتی در افعال آنان ندارد. همان‌گونه که مجوسیان، به خدای خیر و خدای شر اعتقاد دارند و خوبی‌ها را به یزدان و بدی‌ها را به اهریمن نسبت می‌دهند، قدریه نیز اعتقاد به خالق برای همه کائنات دارند که همان خداوند است و اعتقاد به خالق دیگر برای افعال و اعمالش که همان انسان است. آنها معتقدند که خداوند در افعال انسان دخالتی ندارد و اعمال را به انسان واگذار کرده است. در روایات، جریان قدریه، مورد مذمت قرار گرفته و از همنشینی با آنان، همکاری با آنان در کار، عیادت و تشییع جنازه آنان نهی شده است. پیروان قدریه پس از مرگ در عالم برزخ و سپس در قیامت، مورد عذاب الهی قرار می‌گیرند، از شفاعت پیامبر اکرم ﷺ محروم هستند، با عنوان دشمن خدا خطاب می‌شوند و اجازه ورود به بهشت به آنان داده نمی‌شود.

كتاب نامه

قرآن كريم.

١. ابن أبى جمهور، محمد بن زين الدين، (١٤٠٥ ق)، عوالى الليالى العزيزة فى الأحاديث الدينية، مجتبى عراقى، قم: دار سيد الشهداء للنشر.
٢. ابن اثير جزرى، مبارك بن محمد، (١٣٦٧ ش)، النهاية فى غريب الحديث و الأثر، محمود محمد طناحى، قم: مؤسسه مطبوعاتى اسماعيليان الوافى، چهارم.
٣. ابن بابويه، محمد بن على، (١٤٠٦ ق)، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم: الشريف للنشر.
٤. _____، (١٣٩٨ ق)، التوحيد، هاشم حسيني، قم: جامعه مدرسين.
٥. ابن فارس، احمد، (١٤٠٤ ق)، معجم مقاييس اللغة، قم: مكتب الاعلام الاسلامى، اول.
٦. ازهرى، محمد بن احمد، (١٤٢١ ق)، تهذيب اللغة، بيروت: دار احياء التراث العربى، اول.
٧. برنجكار، رضا، (١٣٧٨ ش)، آشنایى با فرق و مذاهب اسلامى، قم: كتاب طه.
٨. جمعى از علماء، (١٤٢٣ ق)، الأصول الستة عشر، ضياء الدين محمودى و همكاران، قم: مؤسسه دار الحديث.
٩. جهانگیری، محسن، (١٣٦٧ ش)، «قدریان نخستین»، مجله معارف، شماره ١٣.
١٠. حميرى، عبدالله بن جعفر، (١٤١٣ ق)، قرب الاسناد، قم: مؤسسه آل البيت.
١١. سبحانى، جعفر، (١٤١٢ ق)، الألهيّات على هدى الكتاب و السنه و العقل، قم: المركز العالمى للدراسات الاسلاميه، سوم.
١٢. شعيرى، محمد بن محمد، (بى تا)، جامع الأخبار، نجف: مطبعة حيدريه.
١٣. شهارى صنعانى، على بن عبدالله، (١٤٢٣ ق)، بلوغ الأرب و كنوز الذهب فى معرفة المذهب، عمان: مؤسسه الامام زيد بن على، اول.

۱۴. صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۸۳ ش)، شرح اصول کافی، محمد خواجوی، تهران: مؤسسه مطالعات فرهنگی.
۱۵. طریحی، فخرالدین محمد، (۱۳۷۵ ش)، مجمع البحرين، احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی، سوم.
۱۶. علی بن موسی الرضا، (۱۴۰۶ ق)، الصحیفة الامام الرضا، محمدمهدی نجف، مشهد: کنگره جهانی امام رضا علیه السلام.
۱۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ ق)، کتاب العین، قم: هجرت، دوم.
۱۸. فیض کاشانی، ملا محسن، (۱۴۱۸ ق)، علم الیقین فی اصول الدین، قم: بیدار، اول.
۱۹. قزوینی، ملا خلیل بن غازی، (۱۳۸۷ ش)، صافی فی شرح کافی (ملاخلیل مازندرانی)، محمدهسین درایتی و حمید احمدی جلفایی، قم: دارالحديث.
۲۰. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۴۰۴ ق)، تفسیر القمی، طیب موسوی جزایری، قم: دارالکتاب.
۲۱. کشی، محمد بن عمر، (بی تا)، اختیار معرفه الرجال، قم: مؤسسه آل البيت.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۲۹ ق)، الکافی، قم: دارالحديث.
۲۳. کوفی اهوازی، حسین بن سعید، (۱۴۰۴ ق)، المؤمن، قم: مؤسسه الامام المهدی.
۲۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳ ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۵. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۸۶ ش)، دانشنامه عقاید اسلامی، قم: دارالحديث، سوم.